



شماره بیستم

تابستان ۱۳۹۱

صفحات ۷۴-۵۳ ویژه‌نامه زبان و گویش

## مقایسه اقوال ایزدی‌ها با کلامات یارسان در پرتو برخی سروده‌های ایرانی غربی

دکتر امید طبیب‌زاده \*

دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه بوعلی‌سینا

### چکیده

در این مقاله سروده‌های ایرانی را به دو دسته کلی تقسیم کرده‌ایم: سروده‌هایی که مبتنی بر سنتی شفاهی و قدیم بوده‌اند، و دیگر سروده‌هایی که به دنبال شکل‌گیری شعر عروضی فارسی متأثر از شعر عرب پدید آمده‌اند. دسته نخست را سروده‌های شفاهی و دسته دوم را سروده‌های مکتوب نام نهادیم و پس از شرح مختصری درباره اقوال ایزدی‌ها و کلامات یارسان، به‌عنوان دو نمونه از سروده‌های شفاهی ایرانی، به مقایسه آنها از حیث برخی ویژگی‌های صوری، همچون انسجام درون‌متنی، بیت و مصراع و قافیه پرداختیم. براساس تحول ویژگی‌های صوری در اقوال و کلامات و دیگر سروده‌های ایرانی غربی، به این نتیجه رسیدیم که اقوال ایزدی‌ها یکی از قدیم‌ترین انواع سروده‌های شفاهی ایرانی غربی است، درحالی‌که کلامات یارسان، احتمالاً تحت تأثیر سنت مکتوب و قوی شعر عروضی فارسی، بسیاری از ویژگی‌های شفاهی خود را از دست داده و به سروده‌های مکتوب نزدیک شده‌است. در عین حال برخی ویژگی‌های مهم‌ترین سروده‌های ایرانی غربی را نیز تحلیل کرده‌ایم.

**واژگان کلیدی:** سروده‌های ایرانی، سروده‌های کردی، اقوال ایزدی‌ها، کلامات یارسان

\* otabibzadeh@yahoo.com

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤل:

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۵

## ۱- مقدمه<sup>(۱)</sup>

با انتشار سروده‌های مذهبی یا اصطلاحاً اقوال کردی ایزدی‌ها (جلیل ۱۹۷۸ و سلیمان<sup>(۱)</sup>، ۱۹۸۵) خون تازه‌ای در رگ مطالعات تبارشناسی ایزدی‌ها به جریان افتاد و بحث درباره ریشه‌های این مذهب و مراحل تکوین آن، که مدت‌ها به بن‌بست رسیده بود، دوباره رونق گرفت و بر پایه‌های جدیدی استوار شد. از نخستین ثمره‌های این رونق، انتشار دو کتاب مهم بود، یکی *ایزدی‌ها- زمینه، آداب و رسوم و سنت‌های متنی آن* (کریون بروک<sup>(۲)</sup>، ۱۹۹۵) و دیگری *خدا و شیخ عدی کامل هستند؛ اشعار مخفی و روایات مذهبی از سنت ایزدی* (کریون بروک و جنیدی راشو<sup>(۳)</sup>، ۲۰۰۵). نویسندگان کتاب‌ها براساس اقوال ایزدی‌ها متذکر وجود رگه‌هایی از مذاهب پیش از اسلام و حتی پیش از زرتشت در مذهب ایزدی شده و تصریح کرده‌اند که گرچه بینش‌های عرفانی و اسلامی برخی مکاتب صوفیه، نقش بسیار مهمی در تکوین این آیین داشته‌اند، یگانه منابع شکل‌گیری این آیین به حساب نمی‌آیند. به اعتقاد آنان اقوال چاپ‌شده موجود، که تقریباً تمام آنها در این دو کتاب گردآوری، آوانگاری و به انگلیسی ترجمه شده‌است، از جمله بهترین منابع برای استخراج ویژگی‌های غیراسلامی این آیین به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، بسیاری از ویژگی‌های غیراسلامی ایزدی‌ها را در سروده‌های مذهبی یا اصطلاحاً کلامات یارسان (اهل حق) نیز می‌توان مشاهده کرد. سال‌هاست محققان از وجود سروده‌های مذهبی یارسان به‌گوش کردی گورانی مطلع هستند<sup>(۴)</sup>، اما این متون تا سال‌های اخیر از دسترس علاقه‌مندان دور بود، تا اینکه با انتشار متن کامل کتاب *نامه سرانجام* (صفی‌زاده، ۱۳۷۵)، فرصت مغتنمی در اختیار اهل تحقیق قرار گرفت تا عین سروده‌های یارسان را پیش‌رو داشته باشند. وی ضمن آوردن متن اشعار به زبان اصلی، تمام مصراع‌ها را آوانگاری و به فارسی ترجمه کرده‌است.<sup>(۴)</sup>

## ۲- زبان کردی

زبان کردی در کنار زبان‌هایی چون فارسی، بلوچی و پشتون، از زبان‌های ایرانی جدید غربی محسوب می‌شود. این زبان دارای گونه‌های متعدد و متفاوتی است. گونه‌های کردی

---

1. Silēman  
2. kreyenbroek  
3. Jindy Rashow

را به دو دسته کرمانجی و پهلوانی تقسیم می‌کنند؛ گونه کرمانجی به دو شاخه کرمانجی شمالی یا بهدینانی، و کرمانجی جنوبی یا سورانی تقسیم می‌شود و گونه پهلوانی به دو شاخه گورانی و زازا یا دیمیلی. گورانی دارای گونه‌هایی چون لکی، کرمانشاهی و اورامانی است (نک. ایزدی، ۱۹۹۲: ۱۷۴-۱۷۲).<sup>(۴)</sup> در میان گونه‌های کردی، گونه گورانی دارای قدیمی‌ترین آثار ادبی است، به حدی که در گونه‌های مختلف کرمانجی و زازا، واژه «گورانی» به معنای ادبیات و شعر غنایی به کار می‌رود. تحقیقات در مورد اشعار کلاسیک کردی نشان می‌دهد که از میان کل آثار باقی‌مانده از شعرای کرد تا آغاز قرن بیستم، صد و نوزده اثر به کردی گورانی، ده اثر به کرمانجی شمالی یا بهدینانی و هشت اثر به کرمانجی جنوبی یا سورانی بوده‌است (همان: ۱۷۹). همچنین *نامه سرانجام* که شامل کلامات مقدس یارسان است، به گویش گورانی سروده شده‌است. امروزه تعداد گویشوران کردی گورانی در مقایسه با کل جمعیت کرد بسیار اندک است و گونه گورانی در مجموع به‌عنوان گونه‌ای قدیمی و ادبی در نظر گرفته می‌شود.

### ۳- اقوال و کلامات ایزدی‌ها

اقوال، سروده‌های مقدس ایزدی‌ها هستند به گویش کردی کرمانجی. این سروده‌ها گاه بسیار بلند و گاه نسبتاً کوتاه‌اند. بلندترین قولی که در کتاب کریون بروک (۱۹۹۵: ۳۰۶-۷) آمده‌است، دارای ۱۴۱ مصراع است و کوچک‌ترین آن ۴۲ مصراع دارد.<sup>(۵)</sup> هر قول مرکب از چند بند<sup>۲</sup> و هر بند مرکب از چند مصراع (غالباً سه مصراع) مقفاً است. اساساً هر بند دارای قافیه‌ای خاص خود است و عامل تفکیک بندها نیز قافیه است. نمونه زیر، بخشی از یک قول ایزدی و ترجمه آن است:

#### Qewlê Miskîno Jaro

#### قول درماندگان<sup>(۶)</sup>

1. hey benî Ademo  
miskîno jaro Ademo
2. ev dinya mestxaneye  
wek xewna şevane  
herro yara hênane

- ۱- ای بنی آدم  
ای آدم درمانده
- ۲- این دنیا مستخانه است  
مثل خواب شبانه است  
هر روز دلدار یک نفر است

1. Izadi  
2. stanza

- ۳) ka Silêmanê hukmdikir      ۳) کو سلیمانی که حکم می‌کرد  
 ka Bilqîza nav dikir      کو بلقیسی که نامی می‌کرد  
 tû jî xoş bî, ewan dinya ji xorra      خوش باش، آنها هم دنیای خود را  
 terk dikir      ترک کردند
- ۴) ka Silêmanê pêxemberan      ۴) کو سلیمان پیغمبران  
 ka Bilqîza bî zêrrê zeran      کو بلقیس با زره‌های زردنگش  
 tu jî xoş bî, ew jî çûn nav ax û      خوش باش، آنها هم به میان خاک و سنگ  
 beran      رفته‌اند

ایزدی‌ها علاوه بر متون شفاهی و مقدس خود، یعنی اقوال، دارای دو متن مکتوب کردی بسیار کوتاه با نام‌های کتاب/الجلوه و مصحف رش نیز هستند. بسیاری از محققان در اعتبار این دو متن تردید دارند (نک. کریون بروک، ۱۹۹۵: ۱۶-۱۱ و ۵۰-۳۸) و غالب پیروان ایزدی‌ها، به علت خصلت عمیقاً شفاهی آیینشان، تقریباً هیچ اطلاعی از آنها ندارند. این دو متن به نثرند و در این تحقیق بیش از این به آنها نمی‌پردازیم.<sup>(۷)</sup>

کلامات به سروده‌های مقدس یارسان اطلاق می‌شود که به گویش کردی گورانی هستند. این سروده‌ها اندازه‌های متفاوت دارند و به صورت مصراع‌های مقفی در بندهای گوناگون تنظیم شده‌اند. در ادامه چند مصراع از بخش «بارگه بارگه» کتاب نامه سرانجام را می‌آوریم (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۴۶ و ۹۲).<sup>(۸)</sup>

**Bandî 1- pîr silêmanî sistânî marmo:**

aw koy kas nazân, aw koy kas nazân  
 bârgay shâm wustan aw koy kas nazân  
 mêrdân magêlân qâf tâ qâf jahân  
 shâm hâ na jâmay shart u rây dîwân

...

**Karday 2:**

aw kâbay aqdam, aw kâbay aqdam  
 bârgay shâm wustan aw kâbay aqdam  
 yârân na jam dâ dil bârân wa ham  
 hargiz nastânân bashi zyâd u kam

...

**بند ۱- کرده ۱: پیر سلیمان سیستانی مرمو:**

در کوی اسرار، در کوی اسرار  
 بارگاه ذات احدیت در کوی اسرار جای گرفت  
 مردان از یکسر تا سر دیگر این جهان را می‌گردند  
 پادشاه هم در جامه شرط و دیوان حقیقت به سر می‌برد

...

**بند ۱- کرده ۲:**

در کعبه اقدم، در کعبه اقدم  
 بارگاه ذات احدیت در کعبه اقدم فرود آمد  
 ای یاران، قلب‌هایتان را در جم آغشته هم کنید  
 و هرگز بهره کم و زیاد نگیرید

...

#### ۴- انسجام درون‌متن

منظور از انسجام درون‌متن<sup>۱</sup> وحدت و پیوندی است که از طریق تمهیدات صوری گوناگون، میان بخش‌های گوناگون یک متن یا میان زیرمتن‌های یک متن بزرگ‌تر به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، در این مقاله، انسجام درون‌متن شامل تمام عواملی می‌شود که باعث ایجاد متنیت<sup>۲</sup> در چند قطعه می‌شود، به طوری که بدون این انسجام، متن مبدل به قطعاتی می‌شود که به هر شکل می‌توان آنها را کنار هم قرار داد (نک. پرمینگر و بروگان،<sup>۳</sup> مدخل intertextuality). سروده‌های اهل حق و ایزدی‌ها هردو برخاسته از سنتی شفاهی هستند، اما احتمالاً آزادی بیشتر اهل حق در ایران و ارتباط آنها با مجامع فرهنگی و ادبیات فارسی سبب شده‌است تا سروده‌های آنان بخش اعظم ویژگی‌های شفاهی خود را از دست بدهد. مهم‌ترین و بارزترین تجلی این تفاوت را می‌توان در میزان ویژگی‌های مربوط به انسجام درون‌متن در اقوال ایزدی‌ها و کلامات یارسان دید.

اقوال ایزدی‌ها برای نخستین‌بار در اواخر دهه هفتاد قرن بیستم ضبط و گردآوری شد و سپس به واسطه تلاش‌های میدانی محققان، به تدریج بر شمار آنها افزوده گردید. پیش از آن کتابی شامل اقوال ایزدی‌ها وجود نداشت و پس از آن نیز صورت‌های ضبط شده و مکتوب این اقوال بی‌هیچ ترتیب خاصی کنار هم قرار گرفته‌اند. البته پیکره سنت‌های شفاهی، به‌عنوان متن بلندی که شامل زیرمتن‌های کوچک‌تر است، همواره دارای عوامل انسجام درون‌متن خاصی بوده‌اند، اما این عوامل قبل از هرچیز مبتنی بر حافظه مردم یا افرادی بوده‌است که مسؤول حفظ و نگاهداری آن متون بوده‌اند. مثلاً این عوامل در مورد اقوال ایزدی‌ها وابسته به حافظه قوالان بوده‌است که وظیفه داشته‌اند قول‌ها را از پدران خود فراگیرند و ضمن اجرایشان در مراسم گوناگون، آنها را به نسل‌های بعد از خود آموزش دهند.

فقدان عوامل انسجام متن در متون شفاهی ایزدی‌ها، از ویژگی‌های تمام متون شفاهی است و مشابه آن را در بسیاری از سنت‌های ایرانی می‌توان یافت. مثلاً اشعار عامیانه فارسی از جمله متون شفاهی هستند که هیچ‌گاه - مگر به منظور مطالعات

- 
1. intertextuality
  2. textuality
  3. Préminger and Brogan

قوم‌شناسی و زبان‌شناسی و امثال آن - گردآوری شده و به رشته تحریر درنیامده‌اند؛ در مواردی هم که این اشعار را ثبت کرده‌اند، آنها را به صورت قطعاتی گسیخته از هم و بی هیچ ترتیب و نظم خاصی، کنار هم قرار داده‌اند (نک. طیبزاده، ۱۳۸۲). این اشعار همواره سینه‌به‌سینه منتقل شده‌اند و کسی برای فراگیری آنها به کتاب یا متن مکتوب دیگری رجوع نمی‌کند. میان این اشعار انسجام درون‌متنی وجود ندارد، و اگر قرار باشد روزی همه آنها را جمع کنند، باید شیوه خاصی برای ترتیب و طبقه‌بندی آنها ابداع کنند. ادبیات عامه نواحی گوناگون ایران، از شعر و ترانه گرفته تا چیستان‌ها و قصه‌های گوناگون، همانند اقوال ایزدی‌ها، همه به سنت شفاهی بسیار قدیمی تعلق دارند که در پیش از اسلام در ایران رایج بوده، و همه نیز به علت شفاهی بودن فاقد هر گونه عوامل صوری انسجام درون‌متن بوده‌اند:

در ایران پیش از اسلام، سنت به کتابت درآوردن آثار ادبی و دینی چندان معمول نبوده‌است، به طوری که این آثار قرن‌ها سینه‌به‌سینه حفظ می‌شده‌است و ثبت آنها را لازم نمی‌دانسته‌اند... کتاب/وستا قرن‌ها سینه‌به‌سینه حفظ می‌شد تا اینکه سرانجام در دوره ساسانی به کتابت درآمد و پس از آن هم موبدان برای اجرای مراسم دینی به‌ندرت بدان رجوع کرده‌اند و می‌کنند و آنچه مهم است، از حفظ خواندن آن است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۳).

البته وجود مراکز مذهبی گسترده مرتبط با هم در عهد ساسانیان و نیز وجود نظارت مراجع قدرتمند دینی و دولتی بر کار این مراکز، سبب شده بود تا متون شفاهی زرتشتی نظم و ترتیب خاصی به خود گیرد و فراگیری آنها نیز هم‌زمان با فراگیری این تقسیم‌بندی‌های درون‌متنی صورت پذیرد. اما متون شفاهی ایزدی‌ها، به علت پراکندگی و بی‌ارتباطی مراکز ایزدی‌نشین، و نیز فقدان مرجعیت‌های مذهبی قوی، ظاهراً فاقد هرگونه انسجامی است، به حدی که قوال‌ها این متن‌ها را بی هیچ ترتیب خاصی به خاطر می‌سپارند و فقط هرکدام را به مناسبت مراسمی که در آن شرکت دارند، برای جمع می‌خوانند. در این معنا می‌توان عوامل انسجام درون‌متنی در متون شفاهی ایزدی را متعلق به سنتی بسیار قدیم‌تر از سنت‌های شفاهی متون زرتشتی در پیش از به کتابت در آمدن آنها دانست.

انسجام درون‌متنی در متن‌های یارسان، صورت کاملاً منسجم و دقیقی دارد. مهم‌ترین کلامات یارسان در کتاب مستقلی با عنوان *نامه سرانجام* که شامل کلیه سروده‌های سلطان

اسحاق و یارانش به گویش کردی کرمانجی است، گردآوری و چاپ شده‌است. شیوه تنظیم مطالب کتاب و تقسیم‌بندی‌های کلامات، حاکی از آن است که این کتاب، پیش از چاپ فعلی آن، بارها تصحیح و تنظیم و نسخه‌برداری شده‌است. تنظیم مطالب در *نامه سرانجام*، مانند کتاب مقدس یا *قرآن* آنقدر دقیق نیست که مثلاً بتوان با تعیین نام سوره و شماره آیه به مصراع یا سطر مورد نظر رسید، اما از این حیث چنان شبیه کتاب *اوستاست* که می‌توان آن را نمونه نسخه‌برداری شده از *اوستا* دانست. *نامه سرانجام* شامل شش بخش است که ترتیب خاصی دارند. این شش بخش عبارت‌اند از بارگه بارگه، دوره هفتوانه، گلیم و کول، دوره چهل تن، دوره عابدین و دوره خرده سرانجام. هریک از این شش بخش نیز دارای تقسیم‌بندی‌های خاصی است. مثلاً بخش «بارگه بارگه» که مهم‌ترین بخش *نامه سرانجام* محسوب می‌شود، متشکل از هفتاد و دو بند با شماره مسلسل است که هر بند آن مرکب از یک تا چند کرده با شماره مسلسل و هر کرده نیز شامل چند مصراع است. این دقیقاً همان روشی است که در تنظیم مطالب در بخش «یسن‌ها» در *اوستا* به کار رفته‌است. البته این تقسیم‌بندی‌ها در بخش‌های دیگر کتاب شکل ساده‌تری به خود می‌گیرد، مثلاً بخش «دوره هفتوانه» شامل شصت بند، بخش «گلیم و کول» شامل بیست و نه بند، بخش «دوره چهل تن» شامل شصت بند، و «دوره عابدین» شامل سی و دو بند است و هریک از این بندها نیز شامل چند مصراع‌اند. این بخش‌ها فاقد تقسیم‌بندی بندها به کرده‌ها هستند. بخش آخر، یعنی «خرده سرانجام»، شامل مطالبی به نظم و نثر و فاقد هرگونه تقسیم‌بندی است. همان‌طور که گفتیم عوامل انسجام دورن متن در کلامات اهل حق دقیقاً مانند *اوستاست*. به‌عنوان مثال به شیوه تنظیم مطالب در بخش اول *اوستا* (یسن‌ها) و بخش اول *نامه سرانجام* (بارگه بارگه) توجه کنید:

I- <i>اوستا</i>	I- <i>نامه سرانجام</i>
۱- ۱- یسن‌ها (شامل ۷۲ هات)	۱- ۱- بارگه بارگه (شامل ۷۲ بند)
۱- ۱- ۱- هات اول (شامل ۲۳ بند)	۱- ۱- ۱- بند ۱ (شامل دو کرده)
۱- ۱- ۱- ۱- بند اول (شامل پنج سطر بدون شماره‌گذاری)	۱- ۱- ۱- ۱- کرده اول (شامل ۱۲ مصراع بدون شماره‌گذاری)
۱- ۱- ۱- ۲- بند دوم (شامل پنج سطر بدون شماره‌گذاری)	۱- ۱- ۱- ۲- کرده دوم (شامل ۶ مصراع بدون شماره‌گذاری)

- ۱-۱-۲- هات دوم (شامل ۱۸ بند)  
 ۱-۱-۲-۱- بند اول (شامل ۹ سطر بدون شماره‌گذاری)  
 ۱-۱-۲-۱-۱- بند اول (شامل ۳ مصراع بدون شماره‌گذاری)  
 ۱-۱-۲-۲- بند دوم (شامل ۵ سطر بدون شماره‌گذاری)  
 ۱-۱-۲-۲-۱- بند دوم (شامل ۱۰ مصراع بدون شماره‌گذاری)  
 ...

تشابه *اوستا* و *نامه سرانجام* بیش از آن است که آن را زائیده تصادف بدانیم. این فرض هم که هر دو کتاب براساس سنت مشترک و واحدی دارای تقسیم‌بندی‌های دقیقاً یکسانی شده‌اند، جای تأمل دارد. تقسیم‌بندی‌های *اوستا*، چه آنها که در متون کهن و دست‌نویس آن وجود داشته و چه آنها که مستشرقان و مترجمان غربی *اوستا* برای ارجاع راحت به مطالب *اوستا* بدان افزوده‌اند، غالباً یا جنبه قراردادی دارند و یا برحسب قرائن موضوعی شکل گرفته‌اند (نک. هومیخ،<sup>۱</sup> ۱۹۹۱: ۶۰-۵۶). اما تقسیم‌بندی مطالب در *نامه سرانجام* هم برحسب قرائن موضوعی و هم براساس معیارهای صوری شکل گرفته‌است. مثلاً هر یک از بندهای بخش «بارگه بارگه» حول موضوع خاصی دور می‌زند، اما علاوه بر این، اولاً هر بند با نام پیر یا سیدی آغاز می‌شود که مصراع‌های بند منسوب به اوست، ثانیاً اولین مصراع هر بند و کرده از تکرار یک کلمه یا عبارت تشکیل شده‌است، و ثالثاً تمام مصراع‌های هر کرده، هم‌قافیه هستند و با تغییر کرده، قافیه هم عوض می‌شود. نمونه زیر تقسیم‌بندی بندها و کرده‌ها در چند بند «بارگه بارگه» را نشان می‌دهد:

- بند ۱- کرده ۱:** پیر سلیمان سیستانی مرمو: / و کوی کس نزان، / او کوی کس نزان / بارگه شام و ستن او کوی کس نزان / میردان مگیلان قاف تا قاف جهان...
- بند ۱- کرده ۲:** او کابه اقدم، / او کابه اقدم / بارگه شام و ستن او کابه اقدم / یاران نه جم دا دل باران و هم...
- بند ۲- کرده ۱:** پیر قابیل سمرقندی مرمو: / او کوهی و اهلی، / او کوهی و اهلی / بارگه شام و ستن او کوهی و اهلی...
- بند ۳- کرده ۱:** پیر رکن‌الدین مرمو: / دلی دری، / او دلی دری / بارگه شام و ستن او دلی دری / ها بنیامین شریک و سری...



**بند ۴- کرده ۱:** پیر میکائیل دودانی مرمو: *أو کوی عربتی، أو کوی عربتی / بارگه شام و ستن أو کوی عربتی / حرص و نفس بودن ایمانی قوتی...*

**بند ۴- کرده ۲:** نوذر شای کیان، نوذر شای کیان / *شام بی نه أو دم نوذر شای کیان / شام بنیامین بی چو گانو زمان...*

این همه نشان می‌دهد که تقسیم‌بندی‌های *نامه سرانجام* نه فقط براساس *اوستا* صورت گرفته‌است، بلکه این کار را خود شاعر یا شاعرانی هم‌زمان با سرایش اشعار صورت داده‌اند. در مقدمه *نامه سرانجام* آمده‌است که کلامات این کتاب را سلطان اسحاق و یاران وی در قرن هفتم و هشتم هجری سروده‌اند (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۴۵-۲)، اما با توجه به شباهت‌های فوق‌العاده زیادی که میان تقسیم‌بندی‌های *نامه سرانجام* و تقسیم‌بندی روایت‌های *اخیر اوستا* وجود دارد، بسیار بعید می‌نماید که این کلامات در قرن هفت یا هشت به این شکل سروده شده باشند. حتی این احتمال که این سروده‌ها سینه‌به‌سینه به دوره‌های متأخر رسیده باشد و سپس به شکل حاضر تنظیم و کتابت شده باشد نیز منطقی به نظر نمی‌آید، زیرا مقفا کردن مصراع‌های هر بند و کرده، نمی‌تواند کار کسی جز سراینده یا سرایندگان این کلامات باشد. در مقدمه کتاب آمده‌است که *نامه سرانجام* از روی دو نسخه خطی مربوط به سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۴۲ تصحیح و ترجمه شده‌است (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۱)؛ احتمالاً زمان سرایش کلامات نیز آن‌گونه که در این کتاب آمده‌است، خیلی قدیم‌تر از زمان به کتابت درآوردن آنها در دو نسخه فوق‌الذکر نباشد. در هر حال براساس عوامل انسجام درون‌متن، به قطعیت می‌توان اقوال ایزدی را به مراتب قدیم‌تر از کلامات اهل حق دانست. اقوال، احتمالاً به علت انزوای ایزدی‌ها و دوری نمودن آنها از اقوام و فرهنگ‌های مجاور، بیشتر به اشکال آغازین خود وفادار مانده‌اند، اما عوامل انسجام درون‌متن در کلامات یارسان، لاقلاً آن‌گونه که در کتاب *نامه سرانجام* آمده‌است، حکایت از جدید بودن این سروده‌ها و بر خوداری آنها از تمام امکانات یک سنت مکتوب و پر قدرت دارد.

#### ۵- بیت و مصراع

بیت عبارت است از دو مصراع پیوسته که اولاً در مقام یک واحد وزنی عمل کنند و ثانیاً وحدت آنها با قافیه یا نحو یا هردوی اینها نشان‌دار شده باشد (پرمینگر و بروگان، ۱۹۹۳: ۱۹۹۳).

مدخل (Couplete). سروده‌های ایزدی و اهل حق هردو فاقد بیت‌اند، و این از ویژگی‌های تقریباً تمام سروده‌های ایرانی میانه و جدید غربی است.<sup>(۹)</sup>

اکثر بندها در سروده‌های ایزدی مرکب از سه مصراع مقفاست و تعداد هجاهای مصراع‌ها در هر بند لزوماً مساوی نیست. درمورد کلامات یارسان نیز تعداد مصراع‌ها در بسیاری از بندها فرد است. این بدان معناست که در این سروده‌ها بیت وجود ندارد. اما مصراع‌های اقوال و مصراع‌های کلامات از حیث طول تفاوت فراوانی با هم دارند. اقوال ایزدی براساس وجود مصراع‌های هم‌قافیه در دورن هر بند، شکل نظم<sup>۱</sup> به خود گرفته‌اند، اما طول مصراع‌ها در یک قطعه شعر و در یک بند غالباً یکسان نیست. البته تنوع مصراع‌ها در هر بند بسیار کمتر از میزان این تنوع در کل مصراع‌های یک قول است، با این حال حتی مصراع‌های یک بند نیز همواره هم‌اندازه نیستند. مثلاً براساس تعداد هجاهای هر مصراع در صد مصراع از بندهای قول اول از کتاب کریون‌بروک (۱۹۹۵: ۱۷۰-۴)، به این نتیجه رسیدیم که ۱۹ درصد مصراع‌ها ۷ هجایی؛ ۱۵ درصد ۱۲ هجایی؛ ۱۳ درصد ۸ هجایی؛ ۱۲ درصد ۹ هجایی؛ ۸ درصد ۱۰ هجایی؛ ۷ درصد ۱۱ هجایی؛ ۶ درصد ۶ هجایی؛ ۴ درصد ۱۳ هجایی؛ ۴ درصد ۱۴ هجایی؛ ۳ درصد ۱۵ هجایی؛ ۳ درصد ۱۶ هجایی؛ ۳ درصد ۱۷ هجایی و ۲ درصد بقیه ۵ و ۱۸ هجایی هستند. برای سادگی محاسبه، ارقام فوق را در جدول زیر نمایش می‌دهیم:

۱۸	۵	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۶	۱۱	۱۰	۹	۸	۱۲	۷	تعداد هجاها
۱۰	۱	۳	۳	۴	۴	۴	۶	۷	۸	۱۲	۱۳	۱۵	۱۹	درصد کاربرد

از جدول فوق به‌خوبی پیداست که مصراع‌ها در اقوال ایزدی به هیچ وجه شکل منسجم و یکدستی ندارند و تنوع مصراع‌ها از حیث تعداد هجاها بسیار زیاد است. وضع تعداد هجاها در مصراع‌های کلامات یارسان بسیار یکدست‌تر از اقوال ایزدی است. مصراع‌ها در اکثر کلامات هر بخش، از ابتدا تا انتها دارای هجاهای مساوی هستند. مثلاً تقریباً تمام بندها در بخش‌های بارگه بارگه، دوره هفت‌توانه، دوره گلیم و کول، دوره چهل تن، و خرده سرانجام، از مصراع‌های ده‌هجایی تشکیل شده‌اند. تنوع مصراع‌ها در «دوره عابدین» بیشتر از بخش‌های قبل است، اما حتی در این بند نیز تعداد هجاهای

مصراع‌ها در هر بند ثابت است؛ این بخش، از بندهایی با مصراع‌های هشت‌هجایی (بندهای ۱ تا ۱۱، ۲۶ تا ۲۸ و بند ۳۰)، مصراع‌های شش‌هجایی (بند ۱۲<sup>(۱۰)</sup> و ۲۵) و مصراع‌های ده‌هجایی (بندهای ۱۳ تا ۲۴، ۲۹، ۳۱ و ۳۲) تشکیل شده‌است. بنابراین وضع تعداد هجاها در مصراع‌های کلامات اهل حق بسیار دقیق و یکدست است، به طوری که صد مصراع آغازین بخش «بارگه بارگه» همه مرکب از ده هجا هستند.

در ادامه به بررسی تعداد هجاها در مصراع‌های دیگر سروده‌های ایرانی می‌پردازیم:

۱- قدیم‌ترین سروده‌های ایرانی، یسن‌هایی هستند که بخش گاهانی/اوستا را پدید می‌آورند. این سروده‌ها که به زبان اوستایی و منسوب به خود زرتشت‌اند، دارای بیت هستند و از حیث وضع بیت‌ها نیز شکل کاملاً منحصربه‌فردی در میان سروده‌های ایرانی دارند. مثلاً ابیات یسن‌های ۲۸ تا ۳۴ (گاه اهنود) همه مرکب از مصراع‌های هفت و نه‌هجایی هستند، یا در یسن‌های ۴۳ تا ۴۶ (گاه اشتود) بیت‌ها مرکب از دو مصراع چهار و هفت‌هجایی‌اند. چنین وضعی در هیچ‌یک از اشعار غربی میانه و جدید ایرانی مشاهده نشده‌است و اصولاً اشعار دوره‌های بعد تا ظهور شعر عروضی فارسی، همه فاقد بیت بوده‌اند.<sup>(۱۱)</sup>

به علت متفاوت بودن ساخت شعری سروده‌های گاهانی، این سروده‌ها را در این قسمت بررسی نمی‌کنیم، اما سروده‌های غربی میانه و جدید، پیوندهای تاریخی و شباهت‌های بسیاری با اقوال ایزدی و کلامات اهل حق دارند، به طوری که اگر اندازه مصراع‌های این سروده‌ها را از حیث تاریخی با هم مقایسه کنیم، به نوعی گرایش یا روند تاریخی در سیر تحول آنها پی می‌بریم.

۲- درخت/سوریک نام منظومه‌ای پهلوی است که اصلی پارتی داشته و احتمالاً در دوره ساسانیان به زبان و خط پهلوی ساسانی به رشته تحریر درآمده‌است (نک. تفضلی، ۱۹۷۴).<sup>(۱۲)</sup> این اثر منظومه‌ای است مفاخره‌آمیز میان بز و نخل که در آن هریک از آن دو از فوائد و مزیت‌های خویش سخن می‌گوید و در پایان بز پیروز می‌شود (نک. تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۵۷). بنونیست نخستین کسی بود که به منظوم بودن این اثر پی‌برد و وزن آن را هجایی عنوان کرد (بنونیست، ۱۹۳۰: ۲۲۵-۱۹۳). پس از آن هنینگ در مقاله مهمی نظر بنونیست را مردود دانست و وزن این منظومه را تکیه‌ای عنوان کرد (هنینگ، ۱۹۵۰: ۴۸-۴۱). با شمارش

هجاهای صد مصراع اول درخت آسوریک به این نتیجه رسیدیم که ۳۴ درصد مصراع‌های آن ۱۲ هجایی؛ ۲۸ درصد ۱۱ هجایی؛ ۲۱ درصد ۱۰ هجایی؛ ۱۰ درصد ۱۳ هجایی؛ و ۷ درصد بقیه به‌طور تقریباً مساوی ۲، ۱۴ و ۱۵ هجایی هستند.<sup>(۱۳)</sup> جدول زیر تعداد هجاهای هر مصراع و درصد کاربرد آنها را نمایش می‌دهد:

تعداد هجاها	۱۲	۱۱	۱۰	۱۳	۲	۱۴	۱۵
درصد کاربرد	۳۴	۲۸	۲۱	۱۰	۳	۲	۳

۳- «در آمدن شاه بهرام ورجاوند» نام منظومه کوتاهی از آثار زرتشتیان پس از اسلام در ۲ بند و ۲۴ سطر یا مصراع است. در این قطعه، شاعر آرزو می‌کند که شاه‌بهرام هرچه زودتر بیاید و ایرانیان را از شر اعراب نجات دهد. اول‌بار تاودیا<sup>۱</sup> به منظوم بودن این قطعه شعر پی‌برد (تاودیا، ۱۹۵۵: ۳۶-۲۹). این متن در مجموعه متون پهلوی (جاماسپ-آسانا،<sup>۲</sup> ۱۸۹۷: ۱۶۱-۱۶۰) درج شده و ملک‌الشعرای بهار آن را ترجمه و بسیاری از کلمات و ترکیباتش را شرح و تفسیر کرده‌است (بهار، ۱۳۴۷: ۹۰-۸۱). این متن دارای یکی دو مصراع بیش از اندازه بلند است که احتمالاً متفاوت با صورت اصلی‌اند (نک. همان: ۸۴). در اینجا تنها بیست مصراع سالم این شعر را انتخاب و تعداد هجاهای مصراع‌های آنها را محاسبه کرده‌ایم.<sup>(۱۴)</sup> در این متن ۲۱ درصد مصراع‌ها ۱۱، ۱۳ و ۱۴ هجایی؛ ۱۶ درصد ۱۵ هجایی؛ ۱۱ درصد ۵ هجایی؛ و ۵ درصد ۹ و ۱۲ هجایی هستند:

تعداد هجاها	۱۱	۱۳	۱۴	۱۵	۵	۹	۱۲
درصد کاربرد	۲۱	۲۱	۲۱	۱۶	۱۱	۵	۵

۴- یکی از اندرزنامه‌های پهلوی با عنوان «اندرز دانایان به مزدیسنان» شامل ۲۴ مصراع منظوم و مقفاست (نک. تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۸۶ و ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۷۳). این متن در مجموعه متون پهلوی (جاماسپ-آسانا، ۱۸۹۷: ۵۴) درج شده و چندین بار به فارسی ترجمه شده‌است (برای نمونه نک. عریان، ۱۳۷۱: ۹۴). با محاسبه تعداد هجاهای موجود در مصراع‌های این اندرزنامه، به این نتیجه رسیدیم که ۴۸ درصد از مصراع‌های آن ۷ هجایی؛ ۲۰ درصد ۸ هجایی؛ ۱۲ درصد ۵ هجایی؛ ۸ درصد ۶ هجایی؛ ۸ درصد ۹ هجایی؛ و ۴ درصد ۱۰ هجایی هستند.<sup>(۱۵)</sup>

1. Tavadia
2. Jamasp-Asana



تعداد هجاها	۷	۸	۵	۶	۹	۱۰
درصد کاربرد	۴۸	۲۰	۱۲	۸	۸	۴

۵- یکی از معدود اشعار باقی‌مانده از مراحل آغازین فارسی جدید، ترجمه‌ای است از دو جزء قرآن مجید که احتمالاً متعلق به اواخر قرن سوم یا اوائل قرن چهارم هجری قمری است (نک. رجائی بخارایی، ۱۳۵۳: نه، سی‌وشش تا پنجاه). ترجمه آیات در متن دست‌نویس این اثر، احتمالاً به تقلید از متون زرتشتی، بدون هیچ فاصله یا علامت مشخصی از پی هم آمده، اما مصحح کتاب خود آنها را به صورت مصراع‌های مستقل از هم تفکیک کرده‌است. با بررسی ۱۰۰ مصراع از ترجمه سوره یوسف (همان: ۶۷-۷۲)، به این نتیجه رسیدیم که ۴۰ درصد مصراع‌های آن ۹ هجایی؛ ۳۶ درصد ۱۰ هجایی؛ ۱۸ درصد ۱۱ هجایی؛ ۳ درصد ۸ هجایی؛ و ۳ درصد نیز ۱۲ هجایی هستند:

تعداد هجاها	۹	۱۰	۱۱	۸	۱۲
درصد کاربرد	۴۰	۳۶	۱۸	۳	۳

۶- جز سروده‌های فوق، اشعار دیگری نیز متعلق به دوره میانی زبان‌های ایرانی غربی می‌توان یافت، اما یا در منظوم بودن آنها جای بحث است (مانند جاماسپ‌نامه<sup>(۱۶)</sup> و یادگار زریران<sup>(۱۷)</sup>) و یا به قدری کوتاه‌اند که نمی‌توان از محاسبه هجاهای آنها به نتایج قابل اطمینان رسید (مانند «سرود مردم بخارا»، «آب است و نیبذ است» و «سرود خرابی‌های سمرقند»<sup>(۱۸)</sup>).

۷- سروده‌های ایرانی غربی جدید، از حیث تعداد هجاهای مصراع‌ها، یکدستی بیشتری نسبت به سروده‌های میانه نمایش می‌دهند. مثلاً با بررسی ۱۰۰ مصراع از یک قطعه شعر عامیانه بلوچی<sup>(۱۹)</sup> به این نتیجه رسیدیم که ۸۴ درصد مصراع‌ها ۸ هجایی؛ ۱۴ درصد ۹ هجایی؛ و ۴ درصد ۷ هجایی هستند:<sup>(۲۰)</sup>

تعداد هجاها	۷	۸	۹
درصد کاربرد	۴	۸۴	۱۴

چنان‌که می‌بینیم، بیش از ۹۵ درصد مصراع‌ها در این سروده هشت یا نه‌هجایی‌اند؛ چنین تمرکزی مطلقاً در سروده‌های میانه وجود ندارد.

۸- اشعار عامیانه فارسی غالباً بسیار کوتاه‌اند، اما در مجموع بیش از ۷۰ درصد آنها دارای مصراع‌های هفت یا هشت‌هجایی هستند (نک. طیب‌زاده، ۱۳۸۲). با بررسی یک قطعه شعر نسبتاً بلند عامیانه فارسی دیدیم که بیش از ۴۹ درصد مصراع‌های آن ۷ هجایی، بیش از ۴۹ درصد دیگر ۷ هجایی، و کمتر از یک درصد آن ۹ هجایی است:

تعداد هجاها	۷	۸	۹
درصد کاربرد	۴۹/۵	۴۹/۵	۱

۹- به‌عنوان نمونه‌ای از گونه‌های مکتوب شعر ایرانی، صد بیت از شاهنامه فردوسی را بررسی کردیم (نک. فروزانفر، ۱۳۶۹: ۵۶-۵۲). تمام مصراع‌های شاهنامه مرکب از ۱۱ کمیت هجایی است. بنابراین می‌توان تمام مصراع‌های شاهنامه را یازده هجایی در نظر گرفت:

تعداد هجاها	۱۱
درصد کاربرد	۱۰۰

تمام مصراع‌های یک قطعه از شاهنامه، دارای تعداد کمیت‌های هجایی مساوی هستند و کلیه موارد استثنا نیز با قواعد وزن توجیه‌پذیرند.<sup>(۲۱)</sup>

۱۰- اگر موارد کمتر از ۵ درصد را در جدول‌های فوق نادیده بگیریم و تنوع مصراع‌ها را از حیث اندازه آنها در هر شعر بررسی کنیم، مصراع‌ها در سروده‌های پهلوی در چهار تا هفت اندازه متفاوت ظاهر می‌شوند: در «درخت آسوریک» در چهار اندازه ۱۲، ۱۱، ۱۰ و ۱۳ هجایی؛ در «درآمدن شاه بهرام ورجاوند»، در هفت اندازه ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۵، ۹ و ۱۲ هجایی؛ و در «اندرز دانایان به مزدیسنان»، در پنج اندازه ۷، ۸، ۵، ۶ و ۹ هجایی. این تنوع در ترجمه قرآن که به اواخر فارسی میانه یا اوائل فارسی جدید تعلق دارد، به سه اندازه ۹، ۱۰ و ۱۱ هجایی کاهش می‌یابد. در متون فارسی جدید تنوع اندازه مصراع‌ها در هر شعر به دو می‌رسد: در شعر عامیانه بلوچی مصراع‌ها در دو اندازه ۸ و ۹ هجایی، و در شعر عامیانه فارسی در دو اندازه ۷ و ۸ هجایی ظاهر می‌شوند. این بدان معناست که تحول سروده‌های شفاهی ایرانی از ایرانی میانه تاکنون، دو گرایش عمده را نشان می‌دهد: اول کم شدن تنوع مصراع‌ها از حیث اندازه‌های آنها در هر شعر، و دوم تبدیل مصراع‌های ۱۰ تا ۱۵ هجایی در فارسی میانه به مصراع‌های ۷ تا ۱۰ هجایی در فارسی جدید.

حال ببینیم اقوال ایزدی و کلامات یارسان در کجای این طیف قرار دارند. مصراع‌ها در سروده‌های ایزدی - با نادیده گرفتن موارد کمتر از ۵ درصد- در هفت اندازه ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۶ هجایی ظاهر می‌شوند، درحالی‌که مصراع‌های کلامات فقط در یک اندازه ۱۰ هجایی ظاهر می‌شوند. این بدان معناست که سروده‌های ایزدی به مرحله‌ای قدیم‌تر از سروده‌های میانه ایرانی تعلق دارند، و سروده‌های اهل حق از جدیدترین انواع سروده‌های ایرانی جدید نیز تحول‌یافته‌تر هستند. جدول زیر مدارج این تحول را با وضوح بیشتری نمایش می‌دهد:

نمایش تحول اندازه مصراع در سروده‌های ایرانی غربی میانه و جدید

تعداد هجاها	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
نام سروده‌ها											
اقوال ایزدی	٪۶	٪۱۹	٪۱۳	٪۱۲	٪۸	٪۷	٪۱۵				
درخت آسوریک					٪۲۱	٪۲۸	٪۳۴				
شاه بهرام ورجوند	٪۱۱			٪۵		٪۲۱	٪۵	٪۲۱	٪۳۱	٪۳۶	٪۱۶
اندرز دانایان	٪۱۲	٪۸	٪۴۸	٪۲۰	٪۸						
ترجمه قرآن				٪۴۰	٪۳۶	٪۱۸					
شعر علمیانۀ بلوچی			٪۸۴	٪۱۴							
شعر علمیانۀ فارسی		٪۴۹/۵	٪۴۹/۵								
کلامات اهل حق					٪۱۰۰						
شاهنامه						٪۱۰۰					

چنان‌که می‌بینیم، کلامات از حیث تنوع مصراع‌ها در یک شعر، دقیقاً مانند شعر رسمی فارسی است، یعنی تمام ابیات هر قطعه شعر، مرکب از مصراع‌های هم‌اندازه‌اند. این ویژگی را که خاص سروده‌های مکتوب ایرانی است، می‌توان ناشی از مکتوب شدن کلامات و دوری تدریجی آن از ویژگی‌های سروده‌های شفاهی دانست.

وجود قوافی و بندها در سروده‌های ایزدی دلالت بر شعر بودن این سروده‌ها دارد، اما از سوی دیگر آشفتگی در اندازه مصراع‌های آنها که به طریق اولی مبین آشفتگی در ساختارهای وزنی است، با اصل ساختمان‌دی مغایرت دارد. آشفتگی در اندازه مصراع‌ها و وزن این سروده‌ها، احتمالاً از آن روست که آنها را همواره به همراه موسیقی و به صورت

آواز می‌خوانند، یعنی به شیوه‌ای که خواننده بتواند با بلند و کوتاه کردن طول مصوت‌ها یا هجاها، ایرادهای وزنی شعر را از میان بردارد. شاید بتوان اقوال ایزدی را به نوعی بازمانده سنت خسروانی‌ها و خنیاگری پیش از اسلام در ایران دانست (نیز نک. بویس، ۱۹۶۸). کلامات یارسان هم همچون اقوال ایزدی، اصولاً برای خوانده شدن به صورت آواز و به همراه موسیقی سروده شده‌اند، اما این سروده‌ها دارای مصراع‌های کاملاً هم‌اندازه و در نتیجه وزنی مشخص‌تر و دقیق‌ترند. کلامات را از این حیث می‌توان با اشعار تعزیه‌ها مقایسه کرد که گرچه اساساً برای خوانده شدن به صورت آواز و همراه ملودی سروده می‌شوند، کاملاً موزون و مقفا هستند، به طوری که قریب به اتفاق آنها را می‌توان به راحتی دکلمه و بدون ملودی قرائت کرد. چنین اشعاری اساساً حاصل فرهنگ‌های دارای کتابت و سنت‌های نوشتاری قدیم و قوی هستند، و در اینجا نیز می‌توان به فاصله عظیمی که میان اقوال و کلامات وجود دارد پی برد.

#### ۶- نتیجه‌گیری

سروده‌های مکتوب ایرانی، یعنی اشعار عروضی فارسی یا اشعاری که به دیگر گویش‌های ایرانی به تقلید از شعر عرب - یا بعدها به تقلید از شعر فارسی - به گونه‌ای عروضی سروده شده‌اند، همگی در همان نخستین قرن‌های تولدشان، از حیث ویژگی‌هایی چون عوامل انسجام درون‌متنی، وزن، قافیه و بیت، به شکل نهایی، یعنی شکل کنونی خود رسیده‌اند؛ اما سروده‌های شفاهی ایرانی، طی قرن‌ها تحولات گوناگونی را از سر گذرانده‌اند و اختلافاتی که در اشکال کنونی این سروده‌ها مشاهده می‌شود، ناشی از ادامه این روند تغییر و تحول بوده‌است. مثلاً تحول مصراع‌ها در سروده‌های شفاهی ایرانی، از ایرانی میانه تاکنون، دو گرایش عمده را نمایش می‌دهد: یکی کم شدن تنوع مصراع‌ها از حیث اندازه‌هاشان در هر شعر، و دوم تبدیل مصراع‌های ۱۰ تا ۱۵ هجایی در فارسی میانه به مصراع‌های ۷ تا ۱۰ هجایی در فارسی جدید. بررسی عوامل انسجام درون‌متنی و مصراع و بیت در مورد اقوال و کلامات، به خوبی نشان می‌دهد که اقوال ایزدی به یکی از قدیم‌ترین انواع سروده‌های شفاهی ایرانی غربی تعلق دارد، اما کلامات اهل یارسان، بسیاری از ویژگی‌های شفاهی خود را از دست داده‌اند، و به سروده‌های مکتوب، مخصوصاً شعر رسمی فارسی نزدیک شده‌اند. انزوای ایزدی‌ها و دوری آنها از فرهنگ‌ها و اقوام



مجاور، و نیز پایبندی آنها به سنت‌های شفاهی و در نتیجه مکتوب نشدن اقوالشان، از جمله عواملی است که باعث ثابت ماندن ویژگی‌های کهن شفاهی در آنها شده‌است، اما گرایش یارسان به حشر و نشر با اقوام و فرهنگ‌های همسایه، مخصوصاً با شیعیان و با ادبیات فارسی، و نیز آزادی بیشتر آنها در بیان افکار و معتقداتشان، از جمله عواملی است که باعث از میان رفتن بسیاری از ویژگی‌های سروده‌های شفاهی در این اشعار، و نزدیک شدن آنها به سروده‌های مکتوب شده‌است. تنها عاملی که کلامات یارسان را همچنان در زمره اشعار شفاهی ایرانی نگاه می‌دارد، وزن تکیه‌ای - هجایی یا اصطلاحاً «پنجه‌ای» آنهاست؛ این وزن شاخص کلیه سروده‌های شفاهی ایرانی است.

### پی‌نوشت

- ۱- لازم می‌دانم از پرفسور کریون بروک، رئیس سمینار ایران‌شناسی دانشگاه گوتینگن، که با روی باز پاسخگوی خیل سؤالاتم بودند، تشکر کنم. از دکتر راشو نیز که به درخواست اینجانب مقاله مفصلی درباره معتقدات و مناسبات فرهنگی و اجتماعی ایزدی‌ها تدوین کردند، سپاسگزاری می‌کنم؛ مقاله ایشان بعدها در مجله آلمانی‌زبان پژوهش‌های ایران‌شناختی (۲۰۰۴) به سردبیری اینجانب منتشر شد. همچنین از دوست فاضلم جناب آقای دکتر امر احمد که نسخه دست‌نویس مقاله را به‌دقت مطالعه کردند و نکات بسیاری را متذکر شدند، سپاسگزاری می‌کنم. این مقاله را پیشکش می‌کنم به حضور استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبایی.
- ۲- برای نمونه نک. هنینگ، ۱۹۹۵. هنینگ در این مقاله که به بررسی زبان باستانی آذربایجان اختصاص دارد، صریحاً از «ادبیات غنی» اهل حق یا یارسان به‌گودی یاد کرده‌است.
- ۳- برای آگاهی بیشتر درباره این اشعار نک. سوری ۱۳۴۴ و مکر،<sup>۱</sup> ۱۹۶۶.
- ۴- برای کردی و گونه‌های آن تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز پیشنهاد شده‌است؛ برای نمونه نک. هاورست، ۱۹۹۸: ۶۴.
- ۵- این ویژگی‌ها و نسبت‌ها در مجموعه جدیدتر اقوال ایزدی نیز قابل مشاهده است (نک. کریون بروک و جیندی راشو، ۲۰۰۵).

- ۶- قوال‌های ایزدی این قول را در خانه فردی که به تازگی فوت کرده، خطاب به میت می‌خوانند (قول ۱۸ از کتاب کریون بروک، ۱۹۵۵: ۳۰۶-۹). در اینجا عیناً آوانگاری کریون بروک را آورده‌ایم.
- ۷- برای آگاهی بیشتر از این متن‌ها، نک. جوزف،<sup>۱</sup> ۱۹۰۹؛ بیتنر،<sup>۲</sup> ۱۹۱۳ و فورلانی،<sup>۳</sup> ۱۹۴۰؛ همچنین برای ترجمه فارسی این دو متن نک. التونجی، ۱۳۸۰: ۲۵۷-۲۳۳.
- ۸- متن آوانگاشت و ترجمه صفی‌زاده عیناً نقل شده‌است.
- ۹- پیدایش بیت در شعر رسمی فارسی تحت‌تأثیر شعر عرب بوده‌است و احتمالاً هیچ ربطی به جریان طبیعی تحول ساخت‌های شعری در زبان‌های ایرانی ندارد. حتی در شعر فارسی بیت هیچ‌گاه تبدیل به واحد وزن نشد و همواره مصراع این نقش را به عهده داشته‌است. بیت از طریق ادبیات فارسی وارد برخی از دیگر گویش‌های ایرانی همچون کردی (نک. جزری، ۱۹۵۸) و پشتون (نک. دارمستتر،<sup>۴</sup> ۱۸۹۰) شد، اما مهم‌ترین برجسته‌ترین کاربرد آن در زبان‌های ایرانی به فارسی محدود می‌شود.
- ۱۰- بند ۱۲ شامل ۲۲ مصراع است که ۲۰ مصراع آن شش‌هجایی و دو مصراع پایانی آن هشت‌هجایی است.
- ۱۱- وضع بیت‌های نامساوی در یسن‌ها، یادآور ابیات مرثیه‌ای<sup>۵</sup> در اشعار یونان باستان است. این ابیات شامل مصراع‌های شش و پنج‌هجایی هستند. جالب است که ابیات مرثیه‌ای در قرون شش و هفت پیش از میلاد در یونان ظاهر شده‌اند، یعنی هم‌زمان یا اندکی پس از ظهور زرتشت و اوستا در ایران (نک. پرمینگر و بروگان، ۱۹۹۳: مدخل elegiac distich).
- ۱۲- این اثر چند بار به فارسی ترجمه شده‌است (برای نمونه نک. ماهیار نوابی، ۱۳۴۶ و عریان، ۱۳۷۱).
- ۱۳- در این محاسبه از متن آوانگاشت عریان (۱۳۷۱: ۱۵۱-۱۴۵) استفاده کرده‌ایم.
- ۱۴- در این محاسبه از متن آوانگاشت فارسی بهار (۱۳۴۷: ۸۲) و آوانگاشت لاتین عریان (۱۳۷۱) استفاده کرده‌ایم.

---

1. Joseph  
2. Bittner  
3. Furlani  
4. Darmesteter  
5. elegiac distich

۱۵- در این محاسبه از متن آوانگاشت عریان (۱۳۷۱: ۱۵۱-۱۴۶) استفاده کرده‌ایم.  
 ۱۶- در مورد اختلاف نظر درباره منظوم بودن یا نبودن جاماسپ‌نامه، نک. تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۷۴.

۱۷- بنویست با کاستن و افزودن واژه‌هایی به متن *یادگار زریران*، کوشید تا تمام آن را در قالب مصراع‌های شش‌هجایی درآورد (بنویست، ۱۹۳۲: ۲۹۳-۲۴۵). هنینگ معتقد است که اولاً تنها بخشی از این متن منظوم است و نه تمام آن، و ثانیاً وزن آن تکیه‌ای است، نه هجایی (هنینگ، ۱۹۵۰). ماهیار نوابی معتقد است *یادگار زریران* کهن‌ترین تعزیه‌نامه ایرانی است که اساساً برای نمایش روی صحنه نگاشته شده‌است و تنها سخنان بازیگران در آن منظوم است. وی بخش‌های منظوم این متن را در گزارش خود آوانگاری کرده‌است (ماهیاری نوابی، ۱۳۷۴: ۱۳۹-۱۰۵). با محاسبه تعداد هجاهای ۱۰۰ مصراع از متن آوانگاشت ماهیار نوابی به جدول زیر رسیدیم:

تعداد هجاها	۸	۷	۶
درصد کاربرد	۷۵	۱۹	۶

طبق جدول فوق، مصراع‌های *یادگار زریران* نسبت به دیگر سروده‌های ایرانی میانه غربی از یکدستی و انسجام بیشتری برخوردار است. به احتمال زیاد این انسجام حاصل اصلاحاتی است که بر متن صورت گرفته‌است تا آن را هرچه بیشتر به صورت نظم درآورند. در هر حال این متن را در محاسبات خود وارد نکرده‌ایم.  
 ۱۸- برای آگاهی از این سروده‌ها، نک. صادقی، ۱۳۵۷: ۹۹-۵۴ و رمپس،<sup>۱</sup> ۱۹۵۱.  
 ۱۹- در مورد سروده‌های بلوچی نک. دامس،<sup>۲</sup> ۱۹۰۷.  
 ۲۰- در این محاسبه از متن آوانگاشت الفن باین<sup>۳</sup> (۱۹۸۵: ۱۷۸-۱۵۹) استفاده کرده‌ایم.  
 ۲۱- بدیهی است که این اصل در مورد اشعار نیمایی صادق نیست؛ اما حتی در اشعار نیمایی هم، به‌رغم کوتاه و بلند بودن مصراع‌ها، وزن هر قطعه شعر ثابت است و در طول شعر تغییری در آن به وجود نمی‌آید.

1. Rempich  
 2. Dames  
 3. Elfenbein

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۴)، *شعر در ایران پیش از اسلام*، تهران: بنیاد اندیشه اسلامی.
- التونجی، محمد (۱۳۸۰)، *یزیدیان یا شیطان پرستان*، ترجمه احسان مقدس، تهران: مؤسسه انتشارات عطائی.
- بهار، ملک الشعرا (۱۳۴۷)، *ترجمه چند متن پهلوی*، به کوشش محمد گلبن، تهران: مرکز نشر سپهر.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- جزری، (۱۹۵۸)، *العقد الجوهری فی شرح دیوان الشیخ الجزری*، به همت احمد بن الملا محمد الزفنگی مفتی القامشلی، مطبعة الرافدین.
- جلیل، ا (و) ج (۱۹۷۸)، «قول و بیت از دیه»، در: *kurdşkij Folklor*، دوره ۲، مسکو.
- جیندی، خلیل (۱۹۹۲)، *نحوه معرفت حقیقت الیازیدیه*، عراق: (بی جا).
- رجائی بخارایی، احمدعلی (۱۳۵۳)، *پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری*، ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سوری، ماشاءالله (۱۳۴۴)، *سروده‌های دینی یارسان*، تهران: امیر کبیر.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۹)، *سخن و سخنوران*، تهران: خوارزمی.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۷)، *تکوین زبان فارسی*، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۷۵)، *نامه سرانجام یا کلام خزانہ؛ یکی از متون کهن یارسان (اهل حق)*، تهران: هیرمند.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۸۲)، *تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی*، تهران: نیلوفر.
- عریان، سعید، [گزارش و آوانگاری]، (۱۳۷۱)، *متون پهلوی*، گردآوری جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب- آسانا، کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- ماهیار نوابی، یحیی (۱۳۴۶)، *منظومه درخت آسوریک*، ترجمه چند متن پهلوی، تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *یادگار زیرین*، متن پهلوی، با ترجمه فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه، تهران: انتشارات اساطیر.
- Benveniste, E (1930), "Le texte du Deraxt Asūtīk", in: JA, 217, p. 193-225.
- Benveniste, E (1932), "Le Mémorial de zarēr", in: IA, 220, p. 245-93.
- Bittner, M (1913), *Die Heiligen Bücher der Jeziden Oder Teufelsanbeter (Kurdish und Arabisch)*, Vienna [=Denkschriften der Kaiserlichen Akademie der Wissenschaften in Wien, Klasse, Band LV].



- Boyce, Mary (1968), "Manrchaen Literature", in: Handbuch der Orientalistik, hers, B.Spuler, p. 67-79.
- Dames, M.L (1907), Popular poetry of the Baloches: Text and translation, Royal Asiatic Society.
- Darmesteter, J (1890), Chants populaires des Afghans, Paris, Imprimerie Nationale.
- Elfenbein, J (1985), Poputar poetry of the Baloches", in: Acta Iranic, 24, Popers in Honour of professor Mary Boyce Difusion, E.J. Brill, Leiden, p. 159-178.
- Furlani, G (1940), The Religion of the Yezidis: Religious Texts of the yezidis, trsl. J.M. Unvala, Bombay.
- Henning, W.B (1950), "A Pahlavi Poem", in: BSOAS, 1316, p. 41-8.
- Henning, W.B (1955), "The Ancient Languages of Azerbaijan", in: Transactions of the philological Spciety, Herterford, p. 157-177.
- Humbach, Helmut (1991), The Gōthōs of Zarathushtra and the other old Avestan texts, in collaboration with Josef Elfenbein and Prods O. Skjærvø, part 1: introduction-Text and translation, Heidelberg, Carlwinter, Universitätsverlag.
- Izadi, M (1992), The Kurds: A Concise Handbook, Taylor & Francis, USA, Bristol.
- Harvest, L (1998), Sprachpolitik, Sprachenrecht Und Sprachplanungim geteilten Kurden Land, Passagen Verlag, Manz, Wien.
- Jamasp-Asana (1897), Pahlavi Texts, Bombay.
- Jelil, O. and J (1978), "Qewl û Beytê Êzdiya", in: Kurds kij Folklor, Vol. II, pp. 5-30, Moscow.
- Joseph, I (1909), "Yezidi texts", in: AJSL 25, pp. 111-56, 218-54.
- Kreyenbroek, Philip G (1995), Yezidism- Background, Observances and Textual Tradition, Texts and Studies in Religion, Vol. 62, The Edwin Mellen Press, Lewiston, New York.
- Kreyenbroek, Philip G. and Jindy Rashow, Khalil Jindy (2005), God and Sheikh Adi are Perfect; Sacred Poems and Religious Narratives from the Yezidi Tradition, Wiesbaden, Harrassowitz Verlag.
- Mokri, M (1996), Le Livre des Rois de Vèritè: Histoire traditionnelle des Ahle Haqq, Vol. I, Tehran/ Paris [Bibliothèque Iranienne 14].
- Silēman, K. h (1985), Gundiyaṭī, Baghdad.
- Preminger, A. and Brogan, T. V. F. (eds), 1993, The New Prince ton Encyclopedia of Poetry and Poetics, Princeton, Princeton University Press.
- Rempich, Ch (1951), "Die älteste Dichtungen in Neupersischen", in: ZDMG, c 1.

Tafazzoli, A (1974), "Some Middle Persian Quotations in Classical Arabic and Persian Texts", in Philippe Gignoux and Ahmad Tafazzoli, eds., *Mémorial Jean de Menasce*, Louvain and Tehran, 1974, pp. 337-49.